یادداشت

بلاتکلیفی اصلاح‌طلبان افراطی برای انتخابات آینده

رسول سنائی‌راد
کارشناس مسائل سیاسی

پس از آنکه آقای حجاریان به‌عنوان چهره تئوری‌پرداز جریان اصلاحات، نیروهای همراه و حامی نظام را سرسپرده و سرکوبگر و کلیت نیروهای اصلاح‌طلب را فاقد این ویژگی‌ها خواند، با معرفی ماجرای کشف حجاب به عنوان الگویی برای تغییر با ایجاد نوعی فشار و تراز قدرت مؤثر در وادارسازی حاکمیت به عقب‌نشینی، برای بازگشت اصلاح‌طلبان به قدرت از کانال انتخابات شروطی را قائل شد که کناره‌گیری آقای رئیسی از ریاست‌جمهوری از جمله آن شروط بود.

پس از این شرط‌گذاری تئوری‌پرداز اصلاحات، ناگهان جبهه اصلاحات در انتخاباتی فقط با حضور یک نامزد، خانم آذر منصوری را به ریاست این جبهه انتخاب کرد که دیدار وی با آقای سیدمحمد خاتمی و گرفتن عکس یادگاری روی کاناپه دونفری حاکی از حمایت و تأیید این انتخابات از سوی خاتمی محسوب می‌شد.

گرچه برخی از چهره‌های اصلاح‌طلب نسبت به این انتخابات حرف و حدیث داشته و از ترجیح انتخاب فرد دیگری سخن به میان می‌آوردند، اما آقای کرباسچی از این انتخاب اصلاح‌طلبان رمزگشایی کرده و آن را به ملاحظاتی مرتبط دانست که حوادثی مثل اغتشاشات ماه‌های پایانی سال گذشته پدید آورده است؛ ملاحظاتی که نقش زنان را برجسته‌تر ساخته و از این‌رو با وجود مردان زیادی در جبهه اصلاحات برای تصدی این مسئولیت، ترجیح داده شده که آذر منصوری به ریاست انتخاب شود.

درواقع این انتخاب قبل از آنکه به امر سیاست‌ورزی حزبی و سیاستمداران اصلاح‌طلب مربوط باشد، به سیاست بهره‌گیری از آنچه نهضت زن، زندگی، آزادی نامیده، می‌شود، برمی‌گردد. به‌عبارتی بخش رادیکال اصلاحات برای انتخابات پایان امسال، جبهه‌بندی خود را در هم‌آوایی و همگرایی با تغییرات و مطالباتی تنظیم کرده که در اغتشاشات پاییز سال گذشته بروز و ظهور یافت و از نگاه تئوری‌پردازان اصلاحات، موسم خوشه‌چینی از محصول آن فرا رسیده است. از این رو، کنشگران و بازی‌گردانان اصلاح‌طلب، ابتدا برای شرکت در انتخابات برای نظام شرط گذاشته و سپس برای جدی نشان دادن خود بر پافشاری و ماندگاری بر این شروط، آذر منصوری را که دارای سابقه محکومیت و متعلق به بخش افراطی اصلاحات است به صورت تک‌نامزد به ریاست جبهه اصلاحات می‌گمارند تا از هم‌اکنون میدان انتخابات را به عنوان میدان کارزار و جنگ سیاسی اعلام نمایند.

در امتداد همین خط سیر سیاسی است که باید چهره‌های سیاستمدار و دارای سابقه سیاست‌ورزی که تمایل و توان تعامل و گفت‌وگو با حاکمیت را دارند، حذف شده و به حاشیه بروند و یک کنشگر با سابقه محکومیت در رأس جبهه اصلاحات قرار می‌گیرد.

با چنین آرایشی که با تصور در اختیار داشتن زمینه و بستری اعتراضی صورت داده شده، امکان نمایندگی مطالبات رادیکال جامعه و آن هم در شرایط غیبت یا ضعف سازمان‌های سابقه‌دار در این نوع نمایندگی مثل گروهک مسعود رجوی، استفاده از سیاست واسپاری فرماندهی به زنان برای اثرگذاری بیشتر در حوزه اجتماعی و سیاسی، از نگاه اصلاح‌طلبان رادیکال یک مزیت طلایی است که می‌تواند شرایط اعتراضی و آشوب‌طلبانه را به نفع پیشبرد اهداف ساختارشکنانه دراختیار گیرد.

به‌زعم طراحان این آرایش جنگی، اگر حاکمیت دنبال انتخابات است باید به شروط اصلاح‌طلبان تن دهد والا آنها از هم‌اکنون بهترین گزینه را برای عبور و کناره‌گیری از انتخابات و تحریم آن در رأس جبهه اصلاحات قرار داده‌اند. گزینه‌ای که در سال ۸۸ و زمانی که نامزد مورد نظر او رأی نیاورده به‌جای پذیرش رأی مردم و نتیجه انتخابات به خط فتنه و آشوب گراییده و کنشگری رادیکال او به محکومیت انجامیده است.

حال آنکه رهبری نظام به چهار مؤلفه مشارکت، رقابت، سلامت و امنیت در انتخابات پیش رو تأکید داشته و برگزاری انتخابات با مشارکت بالا را نمود قدرت ملی دانسته که می‌تواند دشمنان را از ادامه فشار بر مردم باز بدارد.

در چنین شرایطی البته بخش معتدل اصلاحات درحال برنامه‌ریزی برای شرکت در انتخابات است و قانونگرایی و رعایت ضوابط قانونی را نیز از الزامات تعامل با حاکمیت و حضور در انتخابات می‌داند. اما بخش رادیکال آن با تصور قرار داشتن حاکمیت در شرایط فشار، تلاش دارد برای عبور از برخی الزامات قانونی و واداشتن نظام به شرایط خود، فعلاً از آرایش جنگی به‌جای پذیرش رقابت سیاسی و الزامات انتخابات رقابتی استفاده کند.

شاید یکی از دلایل اتخاذ این ژست تهاجمی ناشی از اطلاع اصلاح‌طلبان رادیکال از وزن و پایگاه اجتماعی خود و ناامیدی از رأی مردم است که برای جبران آن از الان به‌جای پذیرش الزامات حضور در انتخابات سالم، امن و رقابتی، به تشدید التهاب و ستیزه‌جویی رو آورده است.

خبر آخر

وزیر کشور:

جشن غدیر تصویر وحدت مردم و شکست دشمن بود

وزیر کشور با بیان اینکه بین مردم انسجام مثال‌زدنی وجود دارد، گفت: علیرغم تلاش‌های دشمنان جهت اینکه نشان دهند بین مردم ما انسجام و وحدت وجود ندارد، ولی حضور میلیونی در جشن غدیر نقشه‌های دشمن را خنثی کرد.

احمد وحیدی وزیر کشور در گفت‌وگو با فارس با اشاره به حضور میلیونی مردم در مهمانی ده کیلومتری عید غدیر، گفت: مردم بار دیگر علاقه و ارادت خود را به اهل بیت و انقلاب اسلامی نشان دادند و با این حضور حماسی عزت و سرافرازی کشورشان را خواستار شدند.وی با بیان اینکه بین مردم انسجام مثال زدنی وجود دارد، افزود: به رغم تلاش های دشمنان جهت اینکه نشان دهند بین مردم انسجام و وحدت وجود ندارد، ولی این حضور نقشه‌های دشمنان را خنثی کرد. وزیر کشور در پایان گفت: مردم کشورمان هم در بحث های ملی و هم مذهبی حضور فعال و پرشوری دارند و وفادار به انقلاب و اسلام هستند.

روز جمعه و به مناسبت عید غدیر خم مردم سراسر کشور با حضور در مراسمات عید غدیر، بزرگ‌ترین جشن تاریخ را برگزار کرده و حماسه‌ای به یادماندنی را خلق کردند. مهمانی ده کیلومتری عید غدیر در تهران، حدفاصل میدان امام حسین(ع) تا میدان آزادی برگزار شد.

خبر

رئیسی در دیدار با وزیر خارجه الجزایر:

ظلم‌های نظام سلطه علیه مسلمانان نتیجه ناهمسویی کشورهای اسلامی است

رئیس جمهور روابط ایران و الجزایر را ارتباط دو کشور دوست، برادر و مسلمان دانست که می‌تواند مبتنی بر مواضع نزدیک و همسوی منطقه‌ای و بین‌المللی دو طرف، در عرصه‌های مختلف از جمله در زمینه‌های تجاری و اقتصادی گسترش یابد.

به گزارش ایرنا، سید ابراهیم رئیسی روز گذشته در دیدار احمد عطاف وزیر خارجه جمهوری دموکراتیک خلق الجزایر، با تمجید از سابقه انقلابی و ایستادگی ملت الجزایر در برابر استعمار، بر اراده جمهوری اسلامی ایران برای گسترش همکاری‌ها و ارتقای سطح روابط با الجزایر تاکید کرد.

رئیس‌جمهور، روابط ایران و الجزایر را ارتباط دو کشور دوست، برادر و مسلمان دانست که می‌تواند مبتنی بر مواضع نزدیک و همسوی منطقه‌ای و بین‌المللی دو طرف، در عرصه‌های مختلف از جمله در زمینه‌های تجاری و اقتصادی گسترش یابد. رئیسی با اشاره به دستاوردها و توانمندی‌های قابل توجه علمی و فناوری ایران و اعلام آمادگی برای به اشتراک گذاشتن این دستاوردها با الجزایر، تقویت تعاملات کشورهای اسلامی را زمینه ساز تشکیل مجموعه‌ای قوی از کشورهای همسوی اسلامی دانست و افزود: اگر همه کشورهای اسلامی با یکدیگر همسو و همراه بوده و موضعی را که ایران و الجزایر در حمایت از فلسطین دارند، دیگر کشورهای اسلامی نیز داشتند، امروز شاهد بسیاری از ظلم‌های نظام سلطه علیه مسلمانان در منطقه و جهان نبودیم.

«احمد عطاف» وزیر خارجه جمهوری دموکراتیک خلق الجزایر نیز در این دیدار ضمن ابلاغ گرم‌ترین سلام‌ها و بهترین آرزوهای رئیس جمهور کشورش به آیت‌الله رئیسی، با اشاره به گفت‌وگوهای تلفنی بسیار سازنده رؤسای جمهور دو کشور گفت: «عبدالمجید تبون» در راستای همین گفت‌وگوها، به بنده مأموریت دادند تا عزم، اراده و آمادگی الجزایر برای گسترش روابط با ایران را در عالی‌ترین سطح ممکن به جنابعالی اعلام کنم.

وزیر خارجه الجزایر با تمجید از دستاوردهای سیاست خارجی دولت جمهوری اسلامی ایران در عرصه روابط خارجی و تلاش برای گسترش روابط با کشورهای همسو، دوست و مسلمان، افزود: سطح روابط اقتصادی و تجاری دو کشور به هیچ وجه تناسبی با روابط سیاسی ممتاز فیمابین ندارد، اما با اهتمام رؤسای جمهور دو کشور شاهد تحول در عرصه روابط اقتصادی و تجاری خواهیم بود.

گزارش

ختم خطبه‌های خشونت به تروریسم

حمله تروریستی به پاسگاه کلانتری در زاهدان و شهادت دو نیروی پلیس پس از هفته‌ها خطبه‌های خشونت‌برانگیز مولوی مسجد مکی دور از انتظار نبود، هرچند او در بیانیه‌ای با اما و اگر آن را محکوم کند. آن خطبه‌ها فضای خشونت و بی‌منطقی و دشمن‌تراشی را پروار کرد و حالا چطور می‌توان یک محکومیت همراه با چندین احتیاط و اما و اگر را باور کرد، آن‌هم وقتی‌که مولوی نقشبندی که مدت‌هاست نقش صدای دوم مولوی عبدالحمید را به‌عهده گرفته است، تروریست‌ها را که دست‌شان به‌خون نیروی پلیس آغشته‌شده است، «فدایی» می‌نامد و شبکه انگلیسی بی‌بی‌سی نیز از این فدایی‌خواندن تروریست‌ها استقبال می‌کند و آن را در سرتیتر خبرهای خودش قرار می‌دهد.

صبح دیروز یک تیم تروریستی چهار نفره که قصد ورود به کلانتری ۱۶ زاهدان را داشت، با مقاومت جانانه کارکنان خدوم انتظامی مواجه و پس از هلاکت تمام تروریست‌ها اقدام کور تروریستی آنها ناکام ماند. در این حادثه دو نفر از مدافعان امنیت به شهادت رسیدند.

سردار جلیلیان، فرمانده انتظامی سیستان و بلوچستان در تشریح این حادثه گفت: در پی حمله تروریستی افراد مسلح به کلانتری ۱۶ زاهدان دو نفر از همکاران انتظامی به درجه رفیع شهادت نائل گشتند و هر چهار تروریست مسلح به هلاکت رسیدند. وی اظهار داشت: اوایل صبح چهار تروریست مسلح در پوشش ارباب‌رجوع قصد ورود به محوطه اصلی کلانتری را داشتند که با هوشیاری سرباز وظیفه نگهبان در اصلی مقر انتظامی، تروریست‌ها در اقدام اولیه خود برای ورود به محوطه اصلی کلانتری ناکام ماندند و در همان لحظات ابتدایی درگیری با مأموران انتظامی یک نفر از تروریست‌ها به هلاکت می‌رسد. وی گفت: با حضور مقتدرانه مأموران پلیس مستقر در مقر انتظامی و پس از ناکامی تروریست‌ها در ورود به محوطه اصلی کلانتری، مهاجمان مسلح وارد برجک نگهبانی کلانتری می‌شوند و اقدام به تیراندازی کورکورانه به اطراف و درگیری مسلحانه با نیروهای امنیتی و انتظامی می‌کنند.

فرمانده انتظامی سیستان و بلوچستان افزود: با آتش پرحجم مأموران پلیس، در این درگیری هر چهار تروریست تا دندان مسلح در صحنه به هلاکت می‌رسند و از آنها چهار قبضه سلاح جنگی، هفت عدد نارنجک و چند جلیقه انتحاری کشف شده است. سردار جلیلیان از شهادت دو نیروی جان‌برکف انتظامی، سرباز وظیفه مبین رشیدی و استواریکم کادر علیرضا کیخا در این حمله تروریستی خبر داد و گفت: مأموران پلیس تا آخرین قطره خون خود برای امنیت ایران اسلامی ایستاده‌اند.

آقای عبدالحمید! شما مسئول هستید

پس از اعلام پایان عملیات مقابله با تروریست‌ها، مولوی عبدالحمید، امام جماعت مسجد مکی زاهدان با انتشار بیانیه‌ای کوتاه و چند پهلو و با اما و اگر گفت: «اگرچه تاکنون ابعاد این جریان برای بنده مشخص نیست و از کیفیت این حمله و اینکه چه گروه یا افرادی پشت آن هستند، بی‌اطلاع هستم، اما پیشاپیش نگرانی و برائت خویش را از هر نوع خشونت و حملهٔ مسلحانه و هر حرکتی که باعث ناامنی باشد اعلام می‌دارم. راه ما پیگیری مشکلات جامعه از طریق مذاکره و انتقاد سازنده است و بر حفظ تمامیت ارضی و امنیت کشور تأکید می‌کنیم و برای رسیدگی به حقوق حقه از طریق صحیح و مسالمت‌آمیز تأکید داریم. بنابراین، از مردم شریف استان سیستان‌وبلوچستان به‌ویژه زاهدان تقاضا دارم ضمن حفظ آرامش و خویشتنداری، از هر نوع حرکت و عملی که باعث ناامنی می‌شود پرهیز کنند.»

خبرگزاری تسنیم در همین زمینه در گزارشی نوشت: «اعلام نگرانی و برائت مولوی عبدالحمید در این اعلام موضع، پیش از اینکه نشانه نیت خیرخواهانه او در آرام کردن اوضاع و اذهان باشد، نشان‌دهنده دستپاچگی وی از این است که آرام آرام نتیجه التهاب‌آفرینی در ماه‌های گذشته را می‌بیند و می‌داند که مردم خطبه‌های التهاب‌آفرین او در نماز جمعه را با اقدامات تروریستی اخیر بی‌ارتباط نمی‌دانند.

عبدالحمید پس از حادثه حمله به کلانتری ۱۶ زاهدان در ۸ مهر ۱۴۰۱ که به شهادت تعدادی از نمازگزاران در مصلی منجر شد، بلندگوهای مسجد مکی را با فرکانس‌های هدایت‌شده از کانون‌های ضدانقلاب همسو کرد و در همراهی با این جریان، حتی بسیاری از فتاوا و گفته‌های پیشین خود را مخصوصاً در حوزه زنان به فراموشی سپرد و حرف‌های دشمن‌شادکن جدیدی زد، به گونه‌ای که در کمتر خطبه‌ای از نمازهای جمعه عبدالحمید بود که از حادثه کلانتری ۱۶ سوء استفاده سیاسی نکند و دستگاه‌های حاکمیتی را متهم نکند.

در حالی پس از حادثه ناگوار سال گذشته در مصلای زاهدان، تمام ارکان نظام جمهوری اسلامی ایران در نکوهش کوتاهی‌ها و قصور رخ داده در این زمینه اعلام موضوع کردند و حتی در بالاترین سطح مقام معظم رهبری دستور پیگیری فوری و دقیق در برخورد با مقصران و دلجویی از حادثه‌دیدگان داشت، اما مولوی عبدالحمید که گویا تازه بهانه و ابزار لازم برای حمله به جمهوری اسلامی را پیدا کرده بود، با وجود استجابت درخواست‌های اولیه‌اش درباره این حادثه، پا را فراتر گذاشت و هر جمعه بهانه جدیدی برای اظهارنظرهای شاذ پیدا می‌کرد. خودداری اولیه از پذیرش تیم اعزامی از تهران به نمایندگی از رهبر انقلاب، بی‌توجهی به پذیرش اشتباه و بیان قصور در زمینه حادثه ۸ مهر زاهدان و حتی محاکمه عوامل این حادثه، تهمت‌های مداوم به جمهوری اسلامی در زمینه‌های مختلف از جمله نقض حقوق بشر و تعرض به زندانیان که در آخرین مورد به درخواست برای اعزام کارشناسان خارجی به زندان‌های کشور منتهی شد و بیان انبوهی از اظهارنظرهای احساسی بخشی از برنامه هفتگی مولوی عبدالحمید در ماه‌های اخیر بوده که معمولاً بعد از هر نماز جمعه عده‌ای از مریدان وی، سعی کردند در خیابان خروجی خطبه‌های مولوی را با آسیب زدن به اموال عمومی و شخصی به نمایش بگذارند. مولوی عبدالحمید با بیانیه‌ای کوتاه سعی می‌کند با ابراز تأسف و تألم، خودش را از حادثه رخ‌داده ناراحت نشان دهد اما همین اعلام برائت و بی‌اطلاعی آشفته و دستپاچه از هویت تروریست‌ها، نشان می‌دهد قطعاً خودش هم فهمیده است همگان او را در ملتهب کردن فضای جامعه استان سیستان و بلوچستان و وقوع حوادث مکرر تروریستی دخیل و سهیم می‌دانند وگرنه اگر در توصیه به مردم برای دعوت به آرامش و خویشتنداری صادق بود، این آرامش و خویشتنداری و متانت را ابتدا باید از خود شروع می‌کرد.

زمانی که بارها نمایندگان رهبر انقلاب برای پیگیری ویژه و فوری به زاهدان آمدند و بی‌توجهی کرد. زمانی که برکناری و محاکمه مقصران حادثه مهرماه زاهدان را دید و ترجیح داد بر آتش فتنه و التهاب بدمد. وقتی فتنه‌انگیزی و دعوت به شورش نقشبندی، مولوی نزدیک به خودش را حتی همین امروز دید و جلوی او را نگرفت. زمانی که فتاوای پیشین خود درباره زنان را کنار گذاشت و برای جلب نظر اذهان بیمار، حرف‌های جدید زد و نتیجه حرف‌هایش را با ناامنی بیشتر استان و حتی حمله تروریستی نزدیک مسجد مکی دید و اینچنین آشفته و نگران شد.»

دم خروس بیرون زد

پس از بیانیه فرافکنانه عبدالحمید، عبدالغفار نقشبندی، یکی از مولوی‌های متواری به خارج از کشور که در آشوب‌های سال گذشته سیستان و بلوچستان نقش داشته است، در توئیتی با اشاره به بیانیه مولوی عبدالحمید، درباره حمله به کلانتری ۱۶ در زاهدان نوشت: «طبق اخبار موثق فدائیان بلوچ کلانتری ۱۶ زاهدان را که عامل فاجعه خونین زاهدان بود به رگبار بسته‌اند. از این رو، ممکن است هر آن نیروهای وحشی رژیم به همین بهانه به سوی مسجد مکی بروند. از جوانان زاهدانی درخواست می‌شود گرداگرد مسجد حلقه بزنند.»

نقشبندی اما کیست و چرا به خارج از کشور متواری شده است؟ دهم اسفند سال گذشته یک منبع مطلع به ایسنا گفت: «عبدالغفار نقشبندی یکی از عاملان دخیل در آشوب‌های اخیر سیستان و بلوچستان به خارج از کشور متواری شده است. عبدالغفار نقشبندی پس از صدور حکم دستگیری و از بیم افشا شدن ارتباطش با سرویس‌های جاسوسی، پس از مدتی زندگی مخفیانه، به یکی از کشورهای همسایه منتقل شده است. نقشبندی مدت‌هاست نقش سرباز پیاده سرویس‌های جاسوسی را در این استان ایفا می‌کرد و نقش مهمی در برهم زدن امنیت سیستان و بلوچستان و ایجاد آشوب‌های اخیر داشت، حالا که عرصه را برای جولان بیشتر تنگ دید و مردم شیعه و سنی به افکار و اهداف وی پی بردند، به دست اربابان خود متواری شد. مشارکت در ترور مولوی جنگی‌زهی از منادیان وحدت در استان نیز از سوابق نقشبندی است که ارتباط او را با شبکه‌های معاند بهتر نمایان می‌کند. با این سابقه شرارت اکنون بهتر می‌توان به رابطه حادثه دیروز با این مولوی پی برد. خصوصا آنکه او همواره مورد حمایت مولوی عبدالحمید هم بوده است.»

قضائی

اعدام در ملأعام فرجام ۲ تروریست حادثه شاهچراغ

حکم اعدام دو عامل حمله تروریستی چهارم آبان سال گذشته به حرم مطهر شاهچراغ (ع) سحرگاه دیروز در شیراز اجرا شد.

به گزارش باشگاه خبرنگاران جوان، از ابتدای محاکمه عوامل این حمله تروریستی، مردم شیراز و سایر اقصی نقاط کشور خواستار اشد مجازات برای عاملان و تروریست‌های دخیل در این اقدام تروریستی بودند. روند رسیدگی دقیق به پرونده متهمان در مرحله دادسرا و دادگاه با دقت و رعایت دقیق موازین قانونی و حضور وکلای قانونی متهمان انجام شد و حکم اولیه مجازات اعدام این متهمان در ۲۵ اسفندماه سال ۱۴۰۱ صادر شد.

رای صادره در دادگاه انقلاب اسلامی شیراز پس از اعتراض وکلای متهمان در دیوان عالی کشور نیز رسیدگی شد و پس از رسیدگی مجدد به این پرونده در مرجع عالی قضایی کشور رأی اولیه اعدام این دو فرد تروریست که نقش مستقیمی در طراحی حمله و پشتیبانی از عامل اصلی ترور داشتند در دیوان عالی کشور نیز تأیید شد.

هیئت شعبه دیوان عالی کشور سوم خردادماه امسال ضمن رد فرجام‌خواهی وکلای مدافع «محمد رامز رشیدی» و «سید نعیم هاشمی قتالی» دو نفر از عوامل اصلی حادثه تروریستی حرم مطهر شاهچراغ (ع) در شیراز دادنامه صادره را تأیید کرد. شعبه دیوان عالی کشور با توجه به آیه ۳۳ سوره مائده و آیه ۹ سوره حجرات در مورد اهم احکام جزائی اسلام درحوزه امنیتی حکم بغی، محاربه و افساد، اقدامات صورت گرفته از سوی نامبردگان را از مصادیق بارز و روشن بغات و محاربین و مفسدین فی الارض عنوان کرد. در نهایت این دو فرد تروریست نقش داشته در حمله تروریستی به حرم مطهر شاهچراغ(ع) که منجر به کشته و زخمی شدن دهها فرد بی گناه از زن و مرد و کودک گرفته تا پیرمرد و پیرزن شدند نتوانستند طلوع خورشید ۱۷ تیرماه ۱۴۰۲ را نظاره‌گر باشند و در مقابل چشم صدها نفر از خانواده شهدا، جانبازان و شهروندان شیرازی به دار مجازات آویخته شدند.

غروب چهارشنبه چهارم آبان ۱۴۰۱ فردی مسلح با حمله به زائران و خادمان حرم مطهر حضرت شاهچراغ (ع)، آنها را به رگبار بست که بنابر آخرین اعلام مسئولان فارس در این حادثه، ۱۳ نفر به شهادت رسیدند و ۳۰ نفر نیز مجروح شدند. بر این اساس، عامل نخست این حمله تروریستی قبل از دستگیری مجروح شد که پس از انتقال به بیمارستان و با وجود تلاش‌ها، به هلاکت رسید. این اقدام که مسئولیت آن را گروهک تکفیری داعش برعهده گرفت، موجی از محکومیت در سطح ملی و بین‌المللی در پی داشت.

یادداشت

کبری آسوپار

غریبگی اصلاح‌طلبان با هویت اسلامی مردم

پیاده‌روی اربعین، جشن خیابانی غدیر، سرود سلام فرمانده برای امام زمان، مراسمات مختلف دهه اول محرم، شیرخوارگان حسینی، حج، زیارت حرم‌های مختلف اهلبیت و امامزادگان همه به بهانه‌های مختلف مورد نقد، خدشه و حتی حمله اصلاح‌طلبان قرار گرفته است یا با سانسور کامل یا کوچک‌نمایی مواجه شده است. در حالی که اصلاح‌طلبان همواره خود را بازتابی از صدا و خواست مردم عنوان می‌کنند و وقتی این‌طور تناقض عیان می‌شود، این سؤال به وجود می‌آید که آیا میلیون‌ها ایرانی که به راهپیمایی اربعین می‌روند یا آن جمعیتی که در جشن خیابانی غدیر شرکت می‌کنند، از نگاه اصلاح‌طلبان «مردم» نیستند یا اینجا دیگر نظر و رأی مردم محترم نیست؟

یکی از اصلی‌ترین انتقادات آنها بی توجهی هیئت‌های مذهبی به شادی مردم و همواره دنبال عزاداری بودن بوده است. اما حالا آنها در برابر جشن خیابانی غدیر که سرشار از شادی و شعف مردمی بود، چه کرده‌اند؟ باز سانسور، کوچک‌نمایی، عدم حضور، انتقاد، شبهه، خدشه؛ چرا؟ چرا اصلاح‌طلبان خود را از این مدل مراسمات جدا می‌دانند؟

احساس ضعف شاید اولین گزینه‌ای باشد که با دیدن بغض اصلاح‌طلبان نسبت به مراسم‌های مذهبی به ذهن متبادر می‌شود. آنها هیچ‌گاه نتوانسته‌اند یک مراسم مذهبی را ساماندهی و مدیریت کنند، توان ایجاد یک تجمع دینی را ندارند و نتوانسته‌اند اجتماعی را به گونه‌ای شکل دهند که هویت اسلامی مردم در آن مورد توجه قرار گرفته باشد. به عبارتی دیگر می‌توان گفت هویت دینی مردم ایران از دستبرد و سوءاستفاده اصلاح‌طلبان در مسیر منافع جناحی‌شان دور مانده و آنها برای خود در این رویدادها سود سیاسی متصور نیستند. بنابراین، دنبال سودجویی سیاسی از مسیر خدشه بر آنها هستند؛ اگر حمایت از دین سود سیاسی ندارد، تخطئه دین شاید نفعی داشته باشد؛ اصالت با سود جناحی است!

آن‌ها یک عمر تئوری بافته‌اند که مردم ایران از دین روی گردان شده‌اند (از قضا همیشه هم رؤسای جمهور اصلاح‌طلب عمامه دین بر سر داشته‌اند!) حالا انعکاس حضور مردم در مراسمات دینی نقض همان حرف‌های خودشان است و نشان می‌دهد مردم از دین روی برنگردانده‌اند. پس باید سانسور کنند یا بگویند مردمی نبود و حکومتی بود.

خطر آنچه اصلاح‌طلبان انجام می‌دهند غیریت‌سازی نسبت به خود و دوقطبی‌سازی در جامعه است. آنها خود را جدا از اقشار مختلفی که در مراسم‌های مذهبی حضور فعال دارند، تعریف می‌کنند و حتی مقابل این توده‌های مردمی صف می‌کشند و بعد دیگران را متهم به فعالیت ضد مردمی و بی اعتنایی به نظر مردم می‌کنند. یعنی عملاً می‌گویند مردمی که حضورشان هویت اصلاح‌طلبی نداشته باشند و از حضورشان برای اصلاح‌طلبان آبی گرم نشود، از نظر ما مردم نیستند!

از سویی، همین نوع عملکرد، اثبات‌کننده نگاه سیاسی آنان به گردهمایی‌های مذهبی مردم است. اگر این گردهمایی‌ها برای آنان نفع سیاسی داشته باشند، حاضرند مبلغ تئوری مبتذلی همچون «درس مذاکره از عاشورا گرفتن» شوند و فلان هیئت حسینی یزد را محض مصادره در بوق و کرنا کنند، اما اگر نفع سیاسی نرسد، فقط انتقاد و شبهه وارد کنند.

تنوع فکری مردم حاضر در تجمعات مذهبی فراتر از دسته‌بندی‌های سیاسی است؛ آنها اما مردم را نمی‌شناسند، بین آنها و هویت اسلامی این مردم فاصله معناداری وجود دارد که نشان می‌دهد آنها نمی‌خواهند این گزاره پررنگ هویتی را به رسمیت بشناسند، حتی اگر از میان همین مردمی که پای ثابت مراسمات دینی هستند، به آنها رأی داده شود.

یادداشت

مرتضی سیمیاری

پشت پرده دستگیری یک دادستان متخلف!

دستگیری دادستان یکی از شهرهای شمالی کشور از سوی حفاظت و اطلاعات قوه قضائیه خبری کوتاه اما با دو نشانه روشن و یک خط تمایز جالب است. برخورد قاطع با یک مسئول عالی‌رتبه قضایی نشان داد که دستگاه قضایی با عوامل فساد در هر نقطه و به هراندازه‌ای از آن برخورد کرده و آن را خط قرمز خود می‌داند، از سوی دیگر برای برخورد با تمامی مؤلفه‌های مرتبط با فساد ممیزی نداشته و بدون تعارف‌های سیاسی آن را پاک‌سازی خواهد کرد.

از سویی دستگیری دادستانی که برای خود نام و نشانی هم داشته نشان می‌دهد که دستگاه قضایی نگاه پسینی به مبارزه با فساد نداشته و از زاویه بیرونی به ماجرا نگاه نمی‌کند. سال‌ها پیش هرگاه سخن از مبارزه با فساد به میان می‌آمد، در پشت آن این سؤال هم پیش می‌آمد که متر و معیار مبارزه با فساد چیست و اصولاً در کجا این برخورد ضرورت داشته و یا آنکه آیا اصلاً می‌توان در همه ابعاد با فساد حتی در درون مجموعه دستگاه قضایی هم مبارزه کرده و همه ساختارها را در برابر این پدیده شوم واکسینه کرد؟ پاسخ به این سؤالات دارای چندین مؤلفه پیچیده بود که پاسخ به آن را سخت می‌کرد. اما پس از تدوین سند تحول قضایی و اهتمام‌ویژه در تغییر در اصل کارآمدی حالا قوه قضائیه با یک رشد چشمگیر و برداشتن چند قدم فراتر از برنامه‌های تدوینی در جایگاهی قرار دارد که کانال مبارزه با فساد را عوض کرده و فرکانس‌های حساسیت نسبت به آن را تغییر داده است؛ اما مبارزه قاطع با فاسد دارای یک حلقه بزرگ مفقوده هم بوده است!

متأسفانه دشمن با بهره‌گیری از جنگ ادراکی تمام‌عیار خود به‌گونه‌ای وانمود کرده که گویی فساد در ایران ریشه سیستماتیک داشته و برخورد با فساد گزینشی یا به‌اصطلاح سیاسی است. این خط ترویجی به این دلیل وایرال شده است که رسانه به‌خوبی نقش خود را بازی نکرده است. یک جست‌وجوی ساده در میان پرونده‌های قضایی نشان می‌دهد که دستگاه قضایی با بسیاری از پرونده‌های دانه‌درشت با جدیت و دقت کامل مقابله و آن را تا آخرین نقطه پیگیری کرده، اما حتی یک خبر ساده از آن نیز به رسانه‌ها راه پیدا نکرده است. این عدم اطلاع‌رسانی و مبارزه با فساد در سایه باعث شده است تا حساسیت نسبت به برخورد با فساد در جامعه لمس نشده و به عبارتی برخوردهای قضایی اجتماعی نشود. اما انتشار خبر دستگیری یک دادستان فاسد قاعده را عوض کرده است، در این ماجرای قابل‌تأمل رسانه در نقش مکمل حفاظت دستگاه قضایی بازی کرده و پیامی امیدبخش به جامعه ارسال کرده است. رهبر انقلاب اسلامی در دیدار با مسئولان دستگاه قضایی دو توصیه بسیار مهم به مدیران آن داشتند و فرمودند که اکثریت قاطع قضات و کارکنان قوه قضائیه، انسان‌های شریفی هستند که با درآمد واقعاً کم سخت‌ترین کارها را انجام می‌دهند، اما سوءاستفاده اقلیتی کوچک در هر نقطه از کشور، چهره قوه قضائیه را مخدوش می‌کند و مایه قضاوت نادرست درباره کُل این قوه می‌شود، همچنین معظم له در فرازی دیگر از بیاناتشان به بحث رسانه و نشان دادن تصویری درست از قوه قضائیه اشاره فرمودند. این دو توصیه از سوی رهبر انقلاب در خود درس‌های مهمی دارد.

اگر برخورد قاطع با عوامل فساد را در کنار صورت‌بندی درست رسانه‌ای از آن در کنار هم قرار دهیم به نتایج جالب توجهی می‌رسیم. قوه قضائیه برای نشان دادن تصویری دقیق و صحیح از خود به یک ستاد خبری شبانه‌روزی نیازمند است که با اطلاع‌رسانی دقیق از پرونده‌ها نشان دهد که عدالت‌خانه نه‌تنها به کوچک‌ترین فساد حساسیت داشته و قاطعانه با مبادی آن برخورد می‌کند، بلکه حاضر است بدون تعارف‌های خاص و حتی لاپوشانی آن را به نمایش عمومی نیز بگذارد، این رفتار درخشان و هوشمندانه امنیت «اقلیت فاسد» را به خطر انداخته و آنها با کم‌ترین هزینه حذف خواهند شد؛ پرونده این دادستان به‌زودی با حکم قاطع به اطلاع عموم مردم خواهد رسید، اما پایان این دادگاه آغاز یک رویه جدید قضایی است.